

عوامل تعیین کننده سیاست بریتانیا در خلیج فارس

بررسی موردی سفر لرد کرزن در ۱۹۰۳ م

محمد حسن نیا*

سلمان قاسمیان**

مقدمه:

فرانسه، روسیه و آلمان طی سالهای پایانی قرن نوزده و اوایل قرن بیست به طرق مختلف سعی در نفوذ هرچه بیشتر در خلیج فارس را داشتند. افزایش این فعالیتها به خصوص از سوی فرانسه و روسیه لزوم تعیین یک ضربالعجل برای اتمام آن و همچنین نشان دادن قدرت انگلستان به شیوخ خلیج فارس را نمایان ساخت. سفر لرد کرزن - نایب السلطنه هند انگلستان - به خلیج فارس نقطه اوج قدرت نمایی این کشور برای مقابله با توسعه طلبی این کشورها و نشان دادن قدرت انگلستان به شیوخ خلیج فارس است. علاوه بر این، واقعه سفر لرد کرزن همزمان با آغاز مسئله جزایر سه گانه روی داد و او بخش مهمی از سفر خود را به دیدار با شیوخ قواسم و حمایت از آنان اختصاص داد. او راس مستدم و تنگه هرمز را به دقت مورد بررسی قرار داد و سخنرانی تاریخی خود را در مقر شیخ قواسم که چندی پیش او را به نیابت از انگلستان مسئول حفظ جزایر ابوموسی و تنب بزرگ قرار داده بود ایراد نمود.

پس از انعقاد معاهده ۱۸۲۰، طی دهه های سوم تا هشتم قرن ۱۹، جز یکی دو مورد منازعه با ایران، منافع انگلستان در خلیج فارس با خطری جدی مواجه نگردید. در این دوره بارها برتری خود در خلیج فارس را به نمایش گذاشت. در دهه های پایانی قرن نوزدهم اوضاع تغییر نمود، اروپا در صلح مسلح و تعیین وضعیت و تثبیت اردوهای نظام جدید خود بود و توازن شکننده بیسمارک در عهدنامه فرانکفورت (۱۸۷۱) توان تحمل بیشتر را نداشت.^۱ در این زمان مساحت مستعمرات انگلستان به ۳۳ میلیون کیلومتر مربع با ۳۷۰ میلیون جمعیت رسید.^۲ در نتیجه حفظ این محدوده کار بسیار مشکلی بود. هند قلب این امپراتوری به حساب می آمد و همواره مورد تهدید روسیه، فرانسه و آلمان تازه وارد بود. این در حالی است که از همین زمان تا سال

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس دانشگاه تهران

۱۹۰۳، پنج نمایندگی مسقط، کویت، بحرین، بوشهر و بندرعباس منافع انگلستان را تامین می نمودند. در سال ۱۹۰۰ از ۲/۸۳۷/۰۰۰ لیره استرلینگ واردات خلیج فارس، ۲/۴۷۱/۰۰۰ لیره متعلق به انگلستان و تنها ۳۶۶/۰۰۰ لیره مربوط به سایر کشورها بود. سهم آلمان ۲۳۰۰۰ و سهم روسها ۵۷۲ لیره بود. میزان صادرات خلیج فارس نیز ۲/۰۸۷/۰۰۰ لیره و مقصد آن اغلب لندن و بمبئی بود. با این وجود، انگلستان در مقاطعی از این دوره در مقابل ضربات احتمالی از سوی دشمن، دچار سردرگمی و تشویش شد و سیاستمداران این کشور برای یافتن راه حل مناسب، به مشاجره با یکدیگر پرداختند.^۳

روسها از طریق کسب امتیازات بیشتر از ایران و نفوذ در سیستم گمرکی جنوب این کشور سعی داشتند موقعیت خود را مستحکم ساخته و از این طریق، لزوم تأسیس پایگاه دریایی و حفاظت از منافع تجاری خود را بهانه حضور در منطقه بدانند.^۴ فرانسویان مستقیماً به عمان نزدیک شدند و امتیازاتی از این سلطان نشین گرفتند. آنان قصد نفوذ در سواحل متصل را داشتند که انگلستان با جدیت از پیشرفت کار آنان جلوگیری نمود. اهمیت فرانسه در اینجاست که تلاش این کشور برای نفوذ در سواحل متصل و همپیمانی با قواسم موجب انعقاد معاهده ۱۸۹۲ انگلستان و حاکمان شد که در نتیجه آن شیوخ متصل از این پس اجازه انعقاد معاهده یا مذاکره سیاسی با دیگر کشورها را نداشتند. در این تحقیق پس از بیان و شرح این رقابتهای طی سالهای ۱۸۹۵-۱۹۰۳ که خود دلایل سفر لرد کرزن را نمایان خواهد نمود. جریان این سفر و اهمیت آن را مورد بررسی قرار می دهیم. ذکر این نکته الزامی است که عواملی که موجب شد نائب السلطنه انگلستان در سال ۱۹۰۳ به این سفر اقدام نماید دقیقاً همان عواملی است که این کشور را به نادیده گرفتن حق حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی واداشت.

نقش فرانسه در تحولات خلیج فارس در اوایل قرن بیستم

با سقوط ناپلئون موقعیت تجاری و سیاسی فرانسه در خلیج فارس با رکود شدیدی مواجه شد. در ۱۸۵۵ یعنی در زمان ناصرالدین شاه، ناپلئون سوم با هدف کسب پایگاهی در خلیج فارس، نیکلا پروسه بور را به ایران فرستاد. این سفر با وجود پیشرفت های اولیه با ممانعت مقامات انگلیسی مواجه شد.^۵ در نتیجه حضور فرانسه در این منطقه نمودی نداشت. با حمله آلمان به فرانسه در سال ۱۸۷۰-۱۸۷۱/م/ ۱۲۸۸-۱۲۸۹ ق وقفه ای در تلاشهای فرانسه به وجود آمد. اما از آغاز دهه هشتاد تلاش های این کشور شدت گرفت و از ۱۸۷۸/م/ ۱۲۹۶ ه ق به بعد با دریافت امتیازاتی در خوزستان و عراق (در زمینه کشاورزی و باستان شناسی) فعالیت سیاسی خود را آغاز نمود. وقتی در سال ۱۸۹۱/م/ ۱۲۸۹ ه ق سفیر فرانسه در لندن نسبت به دخالت انگلستان در کار جانشینی مسقط و عمان اعتراض کرد، ظهور فرانسه در خلیج فارس جنبه رسمی به خود گرفت.^۶ در سال ۱۸۹۴/م/ ۱۲۹۲ ه ق کنسولگری فرانسه در مسقط تأسیس شد.^۷ این کشور به منظور نفوذ در سواحل متصل سعی کرد تا امتیازات مهمی که انگلستان از آن ها سلب نموده بود را به آنها باز گرداند. در نتیجه به کشتی های بومی اجازه داد تا پرچم این کشور را بر کشتی های خود نصب کنند و بدون مزاحمت انگلیسی ها در خلیج فارس رفت و آمد نمایند. یکی از اهداف این

کشور تجهیز شیوخ به سلاح های جدید بود که با معاهده ۱۹۰۲ انگلستان با شیوخ، مبنی بر منع تجارت اسلحه از عملی شدن چنین اقدامی ممانعت به عمل آمد. این اسلحه در ایران به فروش می رسید و بخش عظیمی از آن نیز به افغانستان و مناطق شمال و مرکز هند ارسال می شد تا هند را علیه بریتانیا تجهیز کند، روش دیگری که علیه بریتانیا دنبال می شد. انتشار مجلاتی بود که به زبانهای مختلف عربی، فارسی، اردو، فرانسوی و غیره از شرق آفریقا تا کویت توزیع می شد، مهمترین این نشریات، مجله «فتح البصر» یا «فتح البصائر» بود که بعدها به «مرشد الالباب» تغییر نام داد.^۸ در این نشریات بریتانیا را «شیطان» و «فتنه انگیز» می خواندند.^۹ این روزنامه ها به تحریک احساسات مذهبی ساحل نشینان می پرداخت. دلکاسه عملکرد این روزنامه ها را مثبت خواند. روزنامه دیگر الاهرام بود که لوریمر آن را روزنامه فرانسوی مصر می نامد که نقش زیادی در تحریک ساحل نشینان خلیج فارس داشت.

ناوهای نظامی فرانسه طی سال های ۱۹۰۴-۱۹۰۰م/۱۳۲۲-۱۳۱۸ ه ق با حمایت روسیه، چهار بار به انجام عملیات گشت زنی در خلیج فارس پرداختند.

طی همین دوره فرانسه سعی نمود تا با ایجاد ارتباط با شیوخ قواسم، آنان را به سوی خود کشانده و در سواحل متصالح جای پای باز کند.^{۱۰} در همین راستا افرادی را مخفیانه به نزد شیوخ فرستاد. البته شیوخ از ترس واکنش های انگلستان تمایل چندانی به برقراری روابط دوستانه با آنان نداشتند. در سال ۱۸۹۱م/۱۳۰۸ ه ق دو فرانسوی به نام شاپوی^{۱۱} و ترامیه^{۱۲} سعی کردند تا شیوخ قواسم را به سوی فرانسه بکشانند. آن دو همزمان با تحریک شیخ ام القوین سعی کردند اتباع شیخ را نیز به همراهی با سیاست های فرانسه دعوت کنند.^{۱۳} لوریمر آن دو را «توطئه گران و ماجراجویان تاجرنا» می نامد. آنان به شیخ هدایایی دادند و شیخ ام القوین در مقابل قول داد که در اسرع وقت مکاتبات خود را با فرانسه آغاز کند. ظاهراً با دیگر شیوخ نیز ملاقات هایی صورت گرفت. همین موارد باعث شد که تالبوت نماینده سیاسی انگلستان از حکومت هند بخواهد که معاهده ای رسمی را با همان مفاد تضمین نامه رس^{۱۴} به مورد اجرا در آورد.^{۱۵} تالبوت در سال ۱۸۹۲م/۱۳۰۹ ه ق این معاهده را با شیوخ منعقد نمود و شیوخ در این «قولنامه» متعهد شدند که هرگز با دول دیگر وارد مذاکره نشوند، زمین در اختیار آنان قرار ندهند و هیچ معاهده ای را بدون اطلاع انگلستان به امضا نرسانند و بعلاوه وارثانشان هم به آن پایبند بمانند.^{۱۶} در سال ۱۸۹۶م/۱۳۱۴ ه ق، معلوم شد که فرانسه با شیخ ابوظبی ارتباط دارد^{۱۷} و مخفیانه مکاتباتی میان دو طرف صورت گرفته است. ابوظبی طی نامه ای به کنسول فرانسه در مسقط، اعلام کرد که خواهان تأسیس مرکز تجاری فرانسه در مسقط و ایجاد روابط سیاسی با این کشور است. شیخ زاید، که پس از افول قدرت رقباء خود در سواحل متصالح به قدرت برتر این سواحل تبدیل شده بود. در سال ۱۹۰۰ با مقامات ایرانی نیز مکاتباتی داشت.^{۱۸}

ابوظبی در این زمان قدرت زیادی کسب و در بوریمی و نقاط دیگر در حال توسعه نفوذ خود بود. کاکس^{۱۹} نیز به این نکته واقف بود که این کار او در قبال خاندان غافری، در ارتباط با وهابی ها، تهدیدی برای منافع انگلستان است. او تأکید داشت که بدویان بنی کتب^{۲۰} باید تقویت شوند.^{۲۱} انگلستان پس از آگاهی از این موضوع، متقابلاً سیاست خود را در قبال زاید تغییر داد. بخشی از برنامه سفر لرد کرزن تفهیم این سیاست به

شیخ ابوظبی بود.^{۲۲} چرا که کرزن به شارجه رفت و تمام توجه خود را به تقویت شارجه معطوف کرد.

نقش آلمان در خلیج فارس در اوایل قرن بیستم

آلمان نیز از دو طریق سعی در توسعه مستعمرات خود داشت (آفریقا و عثمانی) که از این میان عثمانی بهترین راه نفوذ به خلیج فارس بود.^{۲۳} خط آهن بزرگ آلمان از هامبورگ تا کویت امتداد می یافت و در نتیجه خطر بزرگی را متوجه انگلستان کرد.^{۲۴}

در سال ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ ه ق اولین کشتی بخار آلمان وارد خلیج فارس شد و در سال ۱۸۹۶م/۱۳۱۴ ه ق، فردی به نام رابرت ونگه‌اوس در بندر لنگه به تحریک اهالی بر ضد انگلستان پرداخت.^{۲۵} او در حین تجارت محدود مروارید، اوضاع منطقه را نیز تحت نظر داشت. با حمایت بانکداران و صاحبان کشتی‌های تجاری آلمان، دفاتر تجاری خود را در بنادر خلیج فارس احداث نمود. در همین حال سعی داشت تا در سواحل متصالح نفوذ نماید که نمونه آن کسب امتیاز اکسید آهن در ابوموسی بود، اما در این راه با موفقیتی مواجه نشد.^{۲۶} با این وجود تهدیدات آلمان ها تا ۱۹۱۶ ادامه یافت.

تلاش روسیه برای نفوذ در خلیج فارس در ابتدای قرن بیستم

روسها سعی داشتند تا با اعطای وام های کلان امتیازاتی را در نواحی جنوبی ایران کسب کنند و از این طریق به آرزوی دیرین خود دست یابند.^{۲۷} در سال ۱۹۰۰ وامی به مبلغ چهار میلیون لیره به مظفرالدین شاه اعطا شد.^{۲۸} لرد کرزن آن را موجب افزایش حضور روسها در مناطق تحت نفوذ انگلیس می‌داند. در سال ۱۸۸۴م/۱۳۰۱ ه. ق، کاپیتان فن بلومر به بوشهر رفت تا زمینه های تأسیس کنسولگری روسیه را بررسی نماید. همزمان، یک افسر قزاق در بوشهر به تحریک اهالی بر ضد انگلستان پرداخت. در سال ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ ه ق، متخصصین روسی برای بررسی امکان احداث خط آهن و انبار زغال سنگ به بندرعباس آمدند^{۲۹} و یک کشتی روسی قصد تخلیه مقادیری زغال سنگ در محل را داشت. طی سالهای ۱۹۰۰-۱۹۰۲م، کشتی های روسی چندین بار همراه با ناوهای فرانسوی به نمایش نظامی در خلیج فارس پرداختند.^{۳۰} طی سالهای ۱۸۹۹-۱۹۰۰ م / ۱۳۱۷-۱۳۱۸ ه. ق، چهار هیئت به منظور بررسی راه‌های جنوب به این نواحی اعزام شدند تا مسیر راه آهن شمال به جنوب را بررسی کنند. در نهایت، مسیر کرمان به چابهار انتخاب شد.^{۳۱} قرار بر این بود که هرمز یا قشم به عنوان محل تأسیس پایانه راه‌آهن انتخاب شود و در صورت امکان پادگان نیروی دریایی در این جزیره احداث گردد. در همین زمان پزشکان روسی در سطح وسیعی به سواحل شمالی خلیج فارس به خصوص بوشهر و بندرعباس اعزام شدند. آنان در حین انجام کار به جاسوسی و مطالعه بنادر و جزایر خلیج فارس و موقعیت خاص هر محل پرداختند.^{۳۲}

ایران قرارداد دریافت وام ۲۲/۵ میلیون دلاری را با روسیه منعقد ساخت. قرار شد که روسها، در مقابل امتیازاتی را در جنوب ایران کسب کنند. یکی از این امتیازات احداث خط لوله نفت از خزر به خلیج فارس بود. ایران همچنین متعهد شد که راجع به احداث راه‌آهن با هیچ کشوری وارد مذاکره نشود و این قرارداد

مختص روس ها باشد. روسها از گرفتاری انگلستان در جنگ ترانسووال نهایت بهره را بردند و مطبوعات روسیه نیز علنا به دولت پیشنهاد تعرض به منافع انگلستان در ایران و به دست آوردن پایگاه نظامی در خلیج فارس را می دادند.^{۳۳}

در ابتدای سده بیستم میلادی فردی به نام میلر که در تبلیغ ضد انگلستان شهرت داشت با حس کینه ای که نسبت به انگلستان داشت، در سیستان فعالیت گسترده ای را بر ضد این کشور به راه انداخت. شایع شده بود که یکی از مقامات روسی به عنوان هدیه اسلحه میان عشایر سیستان تقسیم کرده است. روزنامه مسکوئی «نوویه ورمیا» یکی از روزنامه های تند رو مسکو که در واقع توجیه گر سیاست تزار روس بود. در همین زمان نوشت: «بگذارید بریتانیا بداند که ما هندوستان را نمی خواهیم بلکه تنها خلیج فارس را می خواهیم، همین قدر که این را دانستند مطلب تمام است». مقامات انگلیسی اظهارات روزنامه مذکور را نشانه بروز یک حادثه مهم در مرزهای هند می دانستند. روسها املاک سیستان را به نام فلان شعبه ایران می خریدند و به این طریق مقادیر زیادی زمین خریداری شد. لرد کرزن اوضاع را به دقت زیر نظر داشت. حشمت الملک - حاکم موروثی محل - که از دوستان بریتانیا به حساب می آمد، پیشنهاد کرد که او نیز زمینها را خریداری نماید. هاردینگ به شرط مخفی ماندن کار این پیشنهاد را پذیرفت. روس ها تا آنجا پیش رفتند که می خواستند حشمت الدوله را از میان بردارند.^{۳۴} سیستان از دیدگاه انگلستان ارزش فراوانی داشت و تصرف آن مقدمه فتح هند بود. کرزن راه حل حفظ سیستان را احداث راه آهن کوپته به نوشکی و از آنجا به مرز ایران و تأسیس پست های نگهبانی، پست و تلگراف برای تسهیل ارتباطات هند و خلیج فارس می دانست. کرزن، همچون هاردینگ، عقیده داشت اگر روسها حمله کنند بندرعباس، سیستان، بوشهر و یا هر منطقه دیگری که فتح آن به دست روس ها منافع انگلستان را به مخاطره می اندازد، باید اشغال شود. طرح دیگری که روس ها درصدد اجرای آن بودند، اسکان ارمنی های تابع روسیه در نواحی شمال غربی خلیج فارس، به خصوص در کویت بود که این طرح با مخالف انگلستان به بهانه مغایرت آن با معاهده ۱۸۹۹م عملی نشد. در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ ه ق مدت احداث خط آهن شمال تمدید شد. روسها تا سال ۱۹۰۰ در سیستان، کرمانشاه و اصفهان کنسول خانه هایی احداث کردند. در سال ۱۹۰۰ کمیته ای تحت عنوان کمیته سن پترزبورگ، تصمیم به تأسیس یک کمپانی تجاری در بوشهر گرفت. این کمپانی به نام شرکت اودسا، اولین کشتی تجاری خود را در سال ۱۹۰۱ روانه خلیج فارس کرد. در سال ۱۹۰۰ کشتی جنگی گیلیاک و در سال ۱۹۰۱ کشتی واریاک در خلیج فارس به گشت زنی پرداختند. از اکتبر ۱۹۰۱م/۱۳۱۹ کشتی کورنیلف^{۳۵} داتما از اودسا به بوشهر، بصره، لنگه، بندرعباس و دیگر بنادری که قابلیت پهلوگیری این کشتی را داشت، در رفت و آمد بود.^{۳۶} کشتی سینکلر نیز بعدها به آن پیوست.^{۳۷} مدتی بعد دولت روسیه با این کمپانی قراردادی منعقد کرد و آن را تحت حمایت مالی خود قرار داد. در سال ۱۹۰۳ کشتی جنگی سریع السیر روسی بویارین^{۳۸} به خلیج فارس آمد و سرویس دریایی کمپانی اودسا افتتاح شد که تا ۱۹۱۴ برقرار بود.

دیپلماسی فعال ایران در خلیج فارس در دوره ناصرالدین شاه

تلاش ایران برای نشان دادن قدرت بیشتر خود در خلیج فارس که از نیمه دوم عصر ناصرالدین شاه شدت گرفت نیز یکی از عوامل نگرانی انگلستان از ۱۸۸۲م/۱۳۰۰ق، بنادر و جزایر خلیج فارس زیر نظر امین السلطان قرار گرفت و ۱۸۸۷م/۱۳۰۵ق، ایالت جدیدی به نام «بنادر و جزایر خلیج فارس» ایجاد شد. از افراد خاندان سلطنتی فردی به والی گری آن (به مرکزیت بوشهر) انتخاب شد. در سال ۱۳۰۵ گارد ساحلی ایستگاه تلگراف جاسک که در نظارت بر راه های ورودی هند اهمیت فراوانی داشت، منحل شد.^{۴۳} مقاومت رسمی ایران در برابر ادعاهای نمایندگان سیاسی بوشهر و لنگه باعث می شد که تجار انگلیسی در همه جا مورد توهین و استهزاء قرار گیرند. البته کنسول روس در بوشهر نیز نقش زیادی داشت. در خوزستان و سیستان نیز وضع به همین منوال بود، در همین زمان، پایگاه باسعیدو منحل و پرچم ایران به جزیره سیری نصب شد.^{۴۰} در سالهای پایانی قرن ۱۹ ایران سعی نمود شیوخ سواحل جنوبی را علیه انگلستان بسیج کند و در صورت امکان آنها را بار دیگر تحت حمایت ایران قرار دهد.^{۴۱} در همین زمینه، به درخواست دولت مرکزی، حاج احمد دریاییگی - حاکم کل بنادر و جزایر خلیج فارس - همراه با ملک التجار بوشهر از بحرین، ابوظبی و دوبی بازدید نمود و چند روزی با شیخ زاید به مذاکره پرداخت. او از شیوخ خواست تا اتباع خود را از نفوذ مسیحیان خارج کنند. شیخ دوبی - رشید بن طهنون - حاضر به ادامه صحبت در این باره نشد.^{۴۲}

بندر لنگه تا سال ۱۸۷۴م/۱۲۹۲ق در دست شاخه ای از قواسم بود که تابع حکومت مرکزی ایران بودند. قواسم لنگه به نیابت از دولت مرکزی ایران، جزایر سه گانه را تحت نظارت خود داشتند. در سال ۱۸۸۷م/۱۳۰۵ق، مسائل خانوادگی آنان باعث دخالت دولت ایران در لنگه شد در نتیجه بررسی های نمایندگان دولت مرکزی شیخ قضیب القاسمی - حاکم جدید لنگه - مقصر نارامی های آن منطقه شناخته شد. مأموران حکومتی او را دستگیر و به حکومت شاخه قاسمی بر لنگه پایان دادند.^{۴۳} در نتیجه لنگه و جزایر تابعه مستقیماً تحت نظارت ایران قرار گرفت. دریاییگی طی نامه ای به تمامی حکام محلی که شیخ قضیب آنها را گماشته بود، خواست بدون هیچ دلنگرانی کار خود را دنبال کنند. او اعلام کرد که از این پس دویست سرباز در لنگه مستقر خواهد شد. در ژانویه ۱۹۰۰ دولت ایران محمد بن خلیفه را متهم به تدارک سپاه در رأس الخیمه به قصد حمله به لنگه نمود. نماینده سیاسی انگلستان در بوشهر بالاچار ملپومین^{۴۴} را به راس الخیمه فرستاد تا او را از مداخله در امور لنگه بازدارد.^{۴۵} بندر لنگه در نیمه دوم سده نوزدهم چنان برای انگلستان اهمیت یافت که به منظور حمایت از صد تاجر هندی ساکن در آن، یک نمایندگی دائم تأسیس نمود.^{۴۶} در ۲۲ مارس ۱۹۰۰ سیمه^{۴۷} بلژیکی به ریاست کل گمرک خلیج فارس منصوب شد. پس از او دامبرین به این کار گماشته شد. یکی از اقدامات جدی هیئت های بلژیکی مطالعه راجع به مالکیت جزایر ایرانی خلیج فارس بود. از سوی دیگر مظفرالدین شاه طی سفرهایی که به روسیه، فرانسه و دیگر کشور های اروپایی داشت مورد استقبال گرم آنان قرار گرفت که این خود موجب نگرانی بیشتر انگلستان شد. در سال ۱۸ محرم ۱۳۱۸ برابر با ۱۹۰۱ شاه ایران از طریق جلفا به روسیه رفت و مورد استقبال گرم مهمانداران روسی قرار گرفت. او سپس از طریق آلمان به فرانسه رفت و یک ماه را در این کشور گذراند

و به روسیه بازگشت. در این سفر پزشکان آلمانی و فرانسوی به معالجه او پرداختند.^{۴۸} در هنگام ورود به روسیه مورد استقبال گرم امپراطور و بزرگان این کشور قرار گرفت و در کاخ آرمیتاژ ساکن شد و تزار نشان «سنت آندره» را به او اعطا نمود. او از مرکز نظامی روسیه دیدن کرد و در ۲۵ ربیع الاول با بدرقه تزار عازم فرانسه شد.^{۴۹} این بار با استقبال رسمی رئیس جمهور فرانسه «امیل لوبه» و دلکاسه که طراح استعمار نوین فرانسه محسوب می‌شود، وارد پاریس شد و از مقبره ناپلئون، برج ایفل و کارخانه فشنگ سازی و اسلحه سازی دیدن کرد.^{۵۰} در دژ نظامی ژنرال «فلورانتین» اقامت گزید و در جلسه‌ای که وزیر جنگ فرانسه و ژنرال آندره نیز در آن حضور داشتند شرکت نمود.^{۵۱}

در همین سفر از طریق وامی که گرفته بود، کشتی پرسپولیس به وسیله سعدالدوله خریداری شد و در سواحل بوشهر لنگر انداخت. اگر چه قرار بود مظفرالدین شاه به انگلستان نیز سفر کند ولی مرگ دومین پسر ملکه ویکتوریا باعث لغو سفر او به آلمان - ایتالیا و انگلستان شد. به هر حال، تنها روسیه و فرانسه توانستند از میزبان خود استفاده نمایند.

اقدامات انگلستان جهت مقابله با دیپلماسی فعال ایران

اولین اقدامات انگلستان تا پیش از آغاز قرن ۲۰ همانگونه که پیشتر ذکر شد، تحت الحمایگی کویت، تلاش برای ورود دیگر شیوخ به سیستم عمان متصالح، توجه به شیوخ قواسم و تقویت آنان در مقابل ابوظبی، تقویت حضور ناوگان دریایی خود در خلیج فارس، مطالعه دقیق ویژگی های سواحل و جزایر و مواردی دیگر بود. اولین اقدام مهم این کشور در آغاز سال ۱۹۰۲ صورت گرفت. لرد لانسدون که مدتی مدیریت مستعمرات انگلستان در هند را بر عهده داشت، به سمت وزارت امور خارجه انگلستان منصوب شد.^{۵۲} در همین سال طرح پیوستن دیگر شیوخ، منجمله شیخ قطر به سیستم عمان متصالح دنبال شد.^{۵۳} همچنین، در همین سال کنفرانسی در لندن برگزار شد که نیروی دریایی، وزارت جنگ، وزارت امور خارجه، وزارت هند، وزارت مستعمرات و کمیته دفاع امپراطوری حضور داشتند. در این جلسات راجع به موقعیت انگلستان در خلیج فارس و کارهایی که برای حفظ این موقعیت میبایست صورت گیرد بررسی شد. مستر جوزف والتون، نماینده پارلمان انگلستان، اعلام کرد: «با وضع نامناسی که روسها بوجود آورده‌اند جداً باید مبارزه کنیم ... حکومت هندوستان هم باید در حفظ این منافع تحرک بیشتری از خود نشان بدهد. چرا که از وظایف حکومت هند است که به این موضوع توجه داشته باشد تا منافع بریتانیا محفوظ بماند.»^{۵۴} والتون راجع به آلمان و روس گفت: «مدتها است که می‌خواهند در خلیج فارس یک بندر داشته باشند، امروز دولت روس خواهان این بندر است و بدون شک تصاحب خواهد کرد.» «زمان و مقتضیات عوض شده و باید در سیاست خود تجدید نظر کنیم... اینک تا حال در این راه قدم برداشته نشده دلیل عدم قدرت ما است که نمی‌توانیم آن را از روال کنونی خود باز گردانده و تغییر دهیم»^{۵۵} «کرزن در این باره می‌افزاید: «هر گاه جنگی میان ما و روسها پیش آید، ایران به طرفداری ما قیام کند، ما این طرفداری را به مبلغ گزافی خریداری خواهیم کرد. مسئله همین است... من به یک چنین سیاستی جز این که اظهار تأسف بکنم چیز دیگری نمی‌توانم علاوه کنم»^{۵۶}»

من واگذاری یک بندر به روسیه را توسط هر دولتی که باشد توهین عمدی به بریتانیا، نقض بی‌جهت وضع موجود و تحریک به جنگ بین الملل تلقی میکنم.^{۵۷}» «برخی پیشنهاد کرده‌اند که بهتر است روسها تا خلیج فارس پیشروی کنند تا از نزدیک دچار نهب و ضربت شوند. این استدلال مبتنی بر تصور و خیال و سخت ابلهانه است و من هیچ وقت نشنیده‌ام که فلان سرباز، دشمن خود را تا آستانه قلعه راه داده باشد، با این خیال که هر وقت دلخواه اوست آسان با دشمن گلاویز شود.»^{۵۸} «روس یا باید با عثمانی گلاویز شود و بغداد را تصرف کند، و یا از راه ایران خود را به خلیج فارس برساند، که دومی مایه امیدواری است و خطر کمتری دارد.»^{۵۹}

در نامه‌ای که از سوی لرد کرزن به جرج هامیلتون و گروهی از صاحب منصبان وزارت هند نوشته شده آمده است: «در این اواخر علائمی مشاهده شده، حاکی از اینکه برخی اشخاص مایل به دست برداشتن از این طرز تفکرند [نفوذ بریتانیا در ایران و خلیج فارس و حفظ برتری این کشور] و اینکه تفوق سیاسی را که با آن همه کوشش و صرف مال به دست آمده را می‌توان در معرض مبارزه مصون از مجازات دیگران قرار داد و می‌توان آن را با دیگران تقسیم کرد.» در واقع هامیلتون به عنوان وزیر هند در لندن با نظر کرزن برای فشار بر ایران در عدم اعطای امتیاز جدید به روسیه مخالف بود. او به گروه «چشم به راه شکست» تعلق داشت و هیچ نظری در باره روسها نداشت. لرد لانسدون عقاید کرزن را کارساز می‌دانست و با او موافق بود.^{۶۰}

کنفرانس ۱۹ نوامبر و مذاکرات هاردینگ و لانسدون به این نتیجه ختم شد که در صورت حمله روس ها به نیرویی یکصد هزار نفره نیاز است که تدارک آن ناممکن است. پس باید پیش از آنکه فرصت از دست برود، بنادر و جزایر استراتژیک خلیج فارس فتح شود. لرد کرزن-نائب السلطنه هند- در همین زمان هیأتی را متشکل از افسران نیروی دریایی، کارمندان وزارت هند و وزارت امور خارجه برای بررسی اوضاع به خلیج فارس فرستاد. این هیئت از اوایل سال ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه ق برای بررسی عمومی کرانه‌های ایران و قسمتی از بلوچستان به این منطقه آمدند. در نتیجه این بررسی ها، معلوم شد که روسها شدیداً در حال فعالیت‌اند.^{۶۱} در جلسه علنی مجلس قانونگذاری، وزارت امور خارجه انگلستان در ۱۷ ژانویه ۱۹۰۲ اعلام شد:

«موقعیت ما در خلیج چه از نظر تجاری و چه از نظر سیاسی دارای یک ماهیت ویژه بوده است و دولت بریتانیا اصل تفوق و برتری خود در خلیج فارس را اساس و زیر بنای سیاست خود قرار داده. این مسئله نه به صورت تئوری و نظری، بلکه یک واقعیت است، چرا که منافع تجاری و اقتصادی ما در خلیج فارس از هر کشور دیگری بیشتر می‌باشد.»^{۶۲}

در سال ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه ق کرزن با نهایت دقت، ویلز^{۶۳} درباردار هندوستان - را به خلیج فارس فرستاد تا به مطالعه سواحل و جزایر آن بپردازد. مجموعه گزارشات ویلز در سال ۱۹۰۴ تدوین و به لندن فرستاده شد و در کرانه‌های بحرین، الحسا و قطر نیز اقداماتی صورت گرفت.^{۶۴}

لانسدون - وزیر امور خارجه انگلستان - در پنجم مه ۱۹۰۳، در مجلس این کشور اعلام کرد: «ما باید تأسیس هر پایگاه نیروی دریایی یا ایجاد و تجهیز استحکامات بندری، توسط هر قدرتی را تهدید

جدی علیه منافع بریتانیا بدانیم و تا آنجا که در توانمان است با آن به مقابله برخیزیم.»^{۶۵} سفیر روسیه در لندن در دیدار با لانسدون گفت که این اظهارات خطاب به روسها است، اما ما هرگز در چنین اندیشه ای نبوده‌ایم. او از مذاکره بیشتر راجع به مسائل مربوطه طفره رفت و گفت که زمان آن هنوز فرا نرسیده است.

کرزن این اعلامیه که گاهی از آن به نخستین اعلامیه بالفور (نخست وزیر وقت بریتانیا) یاد می‌شود و سرآغاز تعیین حدود نفوذ روس و انگلستان در ایران است^{۶۶} را اعلامیه مونروی ما در خاورمیانه خواند که باید نمایشی به خود بگیرد تا دوست و دشمن را به طور یکسان قانع کند. منظور لرد کرزن از نمایش، همان سفر به خلیج فارس است تا قدرت نیروی دریایی بریتانیا را به نمایش بگذارد. پس از انتشار اعلامیه لانسدون، کرزن در نامه‌ای کنایه‌آمیز خطاب به هامیلتون (وزیر امور هند در کابینه لندن) نوشت:

«این همان چیزی است که من به زبانی که یازده سال قبل در کتابم آمد، درباره آن مجادله میکردم... این همان چیزی است که من طی ده‌ها نامه‌ای که در چهار سال اخیر به شما نوشتم راجع به آن به بحث و جدل با شما پرداختم...»^{۶۷}

سفر لرد کرزن به خلیج فارس (۱۹۰۳م/۱۳۲۱ه ق)

بنابراین به خطر افتادن منافع انگلستان در خلیج فارس لرد کرزن نایب السلطنه هند را واداشت که خود به خلیج فارس بیاید و از نزدیک موقعیت جزایر و بنادر آن را مورد ارزیابی قرار داده و با ملاقات با شیوخ قواسم به دلگرمی آنان بپردازد. در سال ۱۳۲۱ ه ق / ۱۹۰۳ م، پس از عزل اتابک، چند واقعه مهم روی داد که بنا به خواست لرد کرزن صورت گرفت: ۱- نصب پرچم قواسم بر جزایر سه گانه^{۶۸} و آغاز بحث جزایر سه گانه ۲- اعزام هاردینگ و جرج چرچیل به عتبات و دیدار با اشخاص با نفوذ ۳- اعزام کلنل مک ماهان به سیستان.^{۶۹} سفر لرد کرزن به خلیج فارس ۵۰- تأسیس پایگاه‌های دریایی و نصب پرچم انگلستان در مدخل وردی خلیج فارس (دماغه راس مسندم).

اگرچه همه این اتفاق در جای خود اهمیت دارد، اما دو واقعه نصب پرچم شیوخ تحت الحمایه انگلستان بر جزایر استراتژیک تنگه هرموز و سفر لرد کرزن به دلیل تعیین سیاست انگلستان در خلیج فارس از اهمیت بیشتری برخوردار است.^{۷۱}

اهداف سفر کرزن طبق گزارش شماره ۱۴۸، مورخه ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۳ م / ۱۳۲۱ ه ق به قرار ذیل است:

- ۱- بازدید از پایگاه‌ها و تأسیساتی که بریتانیا در سواحل و جزایر خلیج فارس مستقر نموده (تجاری و نظامی).
 - ۲- دیدار با شیوخی که با بریتانیا قرارداد تحت الحمایگی نسبی امضا کرده‌اند.
 - ۳- نمایش قدرت تجاری - سیاسی بریتانیا، تا در مقابل، به رسمیت شناساندن این قدرت به آنان.^{۷۲}
- از دید نویسندگان ایرانی هدف او از انجام سفر این بود که: « زهر چشمی از روسها بگیرد تا در پی

ایجاد پایگاهی نظامی و اقتصادی در خلیج فارس نباشد هم علاقه انگلیسی کبیر را به اعراب مزدور سواحل جنوبی بیان دارد و از ایشان استمالت و تفقدی کند تا امرای عرب بدانند در قبال هر دولتی که باشد - خواه ایران، خواه روسیه، از آنان حراست خواهد شد... البته شیوخ عرب هم باید پاس حقوق ولی نعمت بدارند و به جان ملکه بریتانیا دعا کنند... در برابر تاج امپراطوری خاضع و خاشع باشند.»^{۷۳}. نامه‌ای در ۱۲ اکتبر ۱۹۰۳ بر هاردینگ - سفیر کبیر انگلستان در ایران - فرستاده شد تا آن را به دست مقامات ایرانی برساند در این نامه آمده است: «خطاست اگر سفر نایب السلطنه در حکم تهدید به حال کسی شمرده شود، این سفر نتیجه طبیعی علاقه دوستانه‌ای است که ما به امور ایران داریم و نیز مولود روابط موجود میان ما و سلطان مسقط و رؤسای محلی قسمت غربی به خلیج فارس است.»^{۷۴} هاردینگ در نامه خود به وزارت امور خارجه ایران منافی که کرزن به دنبال کسب آن هاست را تأمین کننده منافع ایران می داند و در جای دیگر می افزاید: «حضرت مستطاب معظم هیچ گونه رسالت پوییتیکی در بنادر ایران ندارد و محض احترام اعلی حضرت همایونی در دوره مسافرت خود به مشایخ اعرابی که با دولت هندوستان طرف معاهده هستند، به این بنادر تشریف خواهند آورد.»^{۷۵}

لرزد کرزن در ۱۷ دسامبر در نامه‌ای به لندن چنین نوشت:

«این مأموریت نه تنها مسائل حیاتی موجود را حل و فصل خواهد ساخت بلکه نایب السلطنه را قادر می‌سازد که به موضوعات متعدد مورد علاقه بریتانیا نیز بپردازد و همچنین شخص نایب السلطنه همراه با دریادار ویلز و اسکاداران نیروی دریایی هند شرقی قادر خواهد بود تا بنادر ساحلی، پایگاه‌ها، مراکز تلگراف، تأسیسات، انبارهای زغال سنگ، لنگرگاه‌ها و غیره را مورد بازرسی و ارزیابی قرار دهد.»^{۷۶}

لرد کرزن در کشتی آرگونت^{۷۷} سوار شد و همراه با دریادار ویلز^{۷۸} و ناو فکس^{۷۹}، هاردینگ^{۸۰} و چهار اژدرافگن و چندین ناو کوچک به سمت مسقط حرکت کرد.^{۸۱} کرزن نشان «صلیب اعظم ستاره هند»^{۸۲} را به سلطان مسقط اعطا کرد و در کشتی آرگونات خطاب به سلطان اعلام کرد که اگر گروه‌هایی از عمان داخلی بخواهند باعث ایجاد نا امنی در نواحی تحت نظارت سلطان شوند، در واقع اتباع بریتانیا را متضرر خواهند ساخت. پس بریتانیا در دفع این شورش‌ها همواره سلطان را مورد حمایت قرار خواهد داد.^{۸۳}

کرزن پس از ترک مسقط یک روز تمام را به بررسی سواحل شرقی و غربی رأس مسندم و بعد صخره‌های دریایی مدخل ورودی خلیج فارس پرداخت. یک ناوگان متشکل از هفت ناوچه کوچک مأمور بررسی دماغه مسندم شدند. در ۱۸ نوامبر خورهای شبه جزیره مسندم که به عنوان یک نقطه استراتژیک در ورودی خلیج فارس و موقعیت قواسم اهمیت داشت مورد بازرسی قرار گرفت. کرزن بعد از بررسی‌های لازم در این مناطق به سمت شارجه حرکت کرد. او در تاریخ ۲۱ نوامبر به شارجه رسید. در هنگام ورود به شارجه اعلام شد که نایب السلطنه قصد دارد با تمامی شیوخ متصالح ملاقات کند و شیوخ باید به عرشه کشتی او بیایند. این پیغام به شیوخ مختلف ارسال شد و در ۲۳ نوامبر آنان خود را به شارجه رساندند. لرد کرزن در این دیدار بیش از هر چیز به اهمیت حضور بریتانیا در خلیج فارس برای حفظ امنیت شیوخ پرداخت و گذشته تاریک شیوخ را نمونه‌ای از عواقب احتمالی خروج آنان از حمایت بریتانیا دانست. او همچنین با مهارت تمام

نتیجه دوره یکصد ساله حاکمیت بریتانیا بر خلیج فارس را ایجاد امنیت برای شیخ هادانست و خطاب به آنان چنین گفت، «ای آقایان: از خلال روابطی که بدین سان به وجود آمده، وظیفه پاسداری و نگهداری از این صلح و وداد در منطقه با رضایت خود شما به عهده انگلیسی کبیر واگذار شد و علقه‌های سیاسی میان هند و فردفرد شماها جوانه زد و رشد یافت. در نتیجه این پیوندها بود که بریتانیا، بزرگ این دریا و نگهبان رسمی شما، شناخته شده است. آنچنان که اکنون هیچ‌یک از شما با هیچ دولتی به جز بریتانیا رابطه‌ای ندارید... و اکنون که آسایش و آرامش بر این صفحات سایه گسترده به هیچ روی، خیال نداریم که حاصل یک قرن کوشش و تلاشی که نتیجه‌ای چنین پرشکوه و پیروز داشته است، به رایگان از دست بدهیم. هیچ‌کس نباید این انتظار عبث را از ما داشته باشد که بی‌غرض‌ترین صفحه تاریخ را که با این زحمات و فداکاریها نوشته شده است با دست خود بشوییم و نابود گردانیم... ای آقایان! اینها روابطی هستند که میان امپراتوری بریتانیا و فردفرد شما برقرار است. سرور تاجدار ما، حکمران بزرگ این امپراتوری، در نقطه‌ای چنان دور از سرزمین شما زندگی می‌کند که کسی از شما تاکنون صورت او را به چشم ندیده است و در آینده هم هرگز نخواهد دید، اما اوامر و دستورهای او در سراسر این سرزمینهای پهناور که مستملکات او هستند، توسط عمال و کارگزاران حکومتی او اجرا می‌شوند. من امروز به عنوان نماینده او در قلمرو هندوستان تأمین رفاه شما را به عهده دارم و از این بابت پیش امپراتور مسؤول می‌باشم...»^{۸۴}

در واقع، کرزن می‌خواست قواسم در سیاست جدید انگلستان نقش مهمی را ایفا کنند. حمایت او از حق حاکمیت شیخ شارجه بر حمیریه و فجیره و ممانعت از استقلال طلبی آنها از طرفی نشان از سیاست تسلط قواسم بر راس مسندم و تنگه هرمز را داشت و از سوی دیگر باعث شد که شیخ صقر بن سلطان شیخ قاسمی نسبت به پیوند دوستی با انگلستان که از آغاز قرن ۱۹ به تیرگی گراییده بود اطمینان پیدا کند. از طرف دیگر حکومت هند چندی پیش جزایر سه گانه را متعلق به قواسم دانسته بود و این خود باعث اهمیت بیشتر قواسم و لزوم تقویت آنان از سوی انگلستان می‌شد.

بحث مالکیت رأس الجبال، مشرف به تنگه هرمز، به دلیل موقعیت ویژه آن در دهانه خلیج فارس، از مسائلی بود که لرد کرزن به آن پرداخت. انگلستان از سال ۱۸۱۹ این ناحیه را متعلق به متحد خود - سعیدبن سلطان و سلطان مسقط - می‌دانست. اما در سال ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه ق عمان قدرت چندانی نداشت و گرفتار مسائل داخلی خود بود. مسئله رؤس الجبال همچنان مشکلی مهم میان سلطان مسقط و قواسم بود. او به منظور اعلام سیاست جدید انگلستان در قبال سواحل متصالح، یعنی تقویت قواسم در مقابل ابوظبی، اعلام کرد:

«شما می‌دانید که مناطق شمالی^{۸۵} یعنی محدوده سواحلی که به باطنه معروف است و در پشت شبه جزیره عمان [راس مسندم] قرار دارد تحت نظارت شیخ قواسم است ولی نظارت آن‌ها بر این منطقه مدتی است که مورد شناسایی واقع نمی‌شود. این مسئله باید بدون اینکه منجر به تنش شود، خاتمه یابد.»^{۸۶}

او با درک اهمیت حفظ ارتباط با قواسم و لزوم قدرت یابی آنان در مقابل زیاده خواهی‌های ابوظبی، شدیداً با استقلال طلبی شیوخ عجمان، ام القوین و جزیره الحمرا مخالفت کرد. در هنگام بازدید از سواحل

حمیریه، صیف بن عبدالرحمن، شیخ حمیریه، از او خواست استقلال مناطق تحت نظارت قبیله‌اش، از طرف حکومت هند انگلستان، مورد شناسایی قرار گیرد. ولی کرزن ناتوانی شارجه در حمایت از آنان در مقابل دشمن را بی اساس دانست و شکایات آنان را نپذیرفت.

پس از اجتماع شارجه، لرد کرزن به سمت بندرعباس حرکت کرد و در ۲۲ نوامبر به آنجا رسید. سالار معظم به نیابت از حکومت مرکزی از او استقبال نمود. قرار بود علاء الدوله -حاکم فارس- با او ملاقات کند. لرد کرزن در جمع تجار انگلیسی و هندی بندرعباس گفت: «این بریتانیا بود که راه تجارت هند و ایران را هموار نمود و این سیستم وسیع تجاری را برقرار کرد. اگر چه شهرت بندرعباس مربوط به گذشته‌های دور است اما زمانی که انگلستان پا به عرصه نهاد بندرعباس موقعیت کنونی‌اش را کسب نمود.»^{۸۷} او حتی رونق تجارت در خراسان و افغانستان و آسیای مرکزی با خلیج فارس یا خلیج فارس با نواحی مرکزی ایران را مدیون وجود کالاهای انگلیسی می‌داند.^{۸۸} کرزن در هنگام حضور در شارجه، بندرعباس، قشم و لنگه در فرصت‌های مختلف از جزایر تنگه هرمز نیز دیدن کرد و با دربار خود راجع به برقراری سیستم دفاعی این مناطق به گفتگو پرداخت. پس از بندرعباس همراه با هاردینگ قشم را دورزد و در تنگه هنگام توقف نمود. پس از اندکی مشورت با همراهان، تصمیم به برقراری دوباره مرکز تلگراف در جزیره هنگام و فتح این جزیره گرفت. سپس از باسعیدو در قشم دیدن کرد. سپس به لنگه رفت و با تجار انگلیسی و هندی دیدار نمود. او در اینجا سخنانی نیز خطاب به روس‌ها داشت. پس از لنگه به دیدار شیخ بحرین رفت و در این دیدار سعی کرد تا انگلستان را تنها دوست شیخ و حامی همیشگی او بداند. در کویت نیز همین سیاست دنبال شد و او به حمایت صریح خود از کویت در مقابل تهدیدات عثمانی پرداخت. پس از دیدار دو روزه از کویت قصد داشت تا با شیخ خزعل نیز به عنوان یک شیخ مستقل در خوزستان ملاقات کند که شیخ حاضر به چنین کاری نشد. کرزن همراه با فرمانده ناوگان خود ر کشتی اسفینکس سوار شد و خور ابوموسی که دارای موقعیت مناسبی برای پایانه خط آهن آلمان به خلیج فارس بود را مورد بازدید قرار داد.^{۸۹} خور العرب و سواحل عثمانی در ام‌القصر را نیز مورد مطالعه قرار گرفت، سپس سواحل ایران را تا بوشهر مورد بررسی قرار داد و طی نامه‌هایی به تهران خواستار ملاقات رسمی با مقامات ایرانی در بوشهر شد که این درخواست به جایی نرسید و او با ناراحتی بوشهر را ترک کرده و راهی هند شد.^{۹۰}

لرد کرزن پس از اتمام گردش در خلیج فارس اعلام کرد:

«در اینجا من گردش سراسر سواحل را به پایان رسانده و خاطر نشان می‌کنم که دولت ایران در حال حاضر بیش از هر موقع دیگر از زمان شاه عباس در کرانه‌های شمالی حکومت قدرتمندانه و نظارت بلا معارضی دارد... امارت نشین‌های عربی هم با استقلال تام یا فقط نسبی وجود دارند. ولی در میان این همه عوامل، بریتانیا شاهین ترازو را در دست دارد»^{۹۱}. «نیروی بحری بریتانیا در دریای مدیترانه و اقتدار غیر قابل انکارش در خلیج فارس شرط احراز این برتری است. تقویت بریتانیا از نظر تجاری در سراسر کرانه شمالی خلیج فارس از گواتر تا محمره و در شهرهای داخلی تا حدود اصفهان عامل ثانوی این تخمین به شمار می‌رود. اما قوی‌تر از هر دو موجب مزبور، وجود احساساتی است که در نواحی جنوب نسبت به کشور

ما مشهود است.^{۹۲} در جای دیگر می‌گوید: «بریتانیا حتی به یک وجب از خاک ایران چشم طمع ندارد. فرمان‌های هشتم و نهم احکام عشره (تورات) هیچ وقت از جانب ما در خطر نقص نخواهد بود»^{۹۳}.

نتیجه گیری

رقابت های سیاسی کشورهای اروپایی در دهه های پایانی قرن نوزدهم با هدف تسلط بر کانون های تجاری، به خصوص هندوستان، موجب شد تا اهمیت خلیج فارس به عنوان دروازه هند افزایش یابد. انگلستان که موقعیت خود را در خطر می‌دید، به طرق مختلف سعی کرد تا این خطرات را رفع نماید. سفر لرد کرزن به خلیج فارس و سخنرانی در میان اجتماع شیوخ در شارجه نقطه اقدامات انگلستان در مقابله با این تهدیدات دول بزرگ بود. اگر چه در این مقطع اقدامات دیگری نیز از سوی این کشور صورت گرفت اما آنچه که در ظاهر امر نمود بیشتری یافت سفر لرد کرزن بود. لرد کرزن از همان زمانی که به ایران و آسیای میانه سفر کرد، تنها تهدید برای منافع انگلستان را روسیه تزاری دانست و به همین دلیل از سال ۱۸۹۵ که به نیابت سلطنت مستعمرات انگلستان در هند و خلیج فارس منصوب شد، به بررسی اقدامات روسیه در ایران، خلیج فارس و آسیای مرکزی پرداخت. از آغاز سال ۱۹۰۱ بارها بر لزوم انجام یک سفر هدفمند و نمایش قدرت انگلستان تاکید داشت، اما مقامات لندن و وزارت هند با دیدگاه او چندان موافق نبودند. با انتصاب لانسدون سیاست دولت مرکزی انگلستان به کمک کرزن آمد و از این پس اقدامات مهمی در زمینه مقابله با دول رقیب به انجام رسید. این اقدامات در مناطق مختلف خلیج فارس به اجرا درآمد. کمک به شیخ کویت در مقابل دشمنان، تجهیز آل سعود در کویت و همراهی با آنان در فتح ریاض و دیگر مناطق نجد که از ۱۹۰۳ عملی شد، تقویت روابط با دیگر شیوخ عمان متصالح و به خصوص توجه ویژه به قواسم که پس از ۱۸۲۰ در مقابل شیوخ بنی یاس ابوظبی (که متهم به مذاکره با ایران و فرانسه بود) و دبی قدرت چندان نداشتند. ارسال نیروهایی همراه با مک ماهون برای تقویت نفوذ خود در سیستان، مذاکره با برخی سرشناسان در بغداد و نجف و مهمتر از همه تحریک قواسم به ادعای مالکیت جزایر ایرانی تنگه هرموز و تأسیس پایگاه هایی در این تنگه بخشی از اقدامات این کشور بود. از دیدگاه نایب السلطنه این سفر مهمترین بخش از اقدامات لازم بود که نتایج مهمی را به همراه داشت. همین موضع گیری های تند زمینه ای بود برای انعقاد معاهده ۱۹۰۷ با روسیه که البته از دیدگاه لرد کرزن روس ها برنده این قرارداد بودند. با این وجود حوادث بعدی به لرد کرزن نشان داد که سیاست های او در هند و خلیج فارس نقش مهمی در ادامه حضور این کشور در منطقه داشته است.

فهرست منابع:

۱. تطور قطر السياسي من نشاءت الاماره الى استقلال الدوله، جمعی از نویسندگان، الدوحه، ۲۰۰۵.
۲. صالح محمد العابد، دور القواسم فی خلیج الفارسی، ۱۷۴۷-۱۸۲۰، مطبعه الاعلانی، بغداد، ۱۹۸۶.
۳. جمال زکریا قاسم، تاریخ الخلیج الفارسی الحدیث والمعاصر، ج ۲، قاهره، دار الحضاره القومی و الثقافه، ۱۹۹۸.
۴. جناب محمد علی، خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
۵. کاظمزاده، فیروز، روابط روس و انگلستان در ایران، ۱۸۶۴-۱۹۱۴، ترجمه منوچهر امیری، تهران، جیبی، ۱۳۵۴.
۶. گرگانی، م منشور، سیاست انگلستان در خلیج فارس و جزایر بحرین (نفت و مروارید)، تهران، چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۵.
۷. رایت، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسیها، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴.
۸. سفر نامه فرنگستان، سفر نامه اول مظفر الدین شاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۹. سیستانی، محمود افشار، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید ضیاع الدین دهشیری، تهران، نشر موقوفات افشار یزدی، ۱۳۵۸.
۱۰. فرامرزی احمد، راه آهن اروپا و خلیج فارس، تهران، داور پناه، ۱۳۴۶.
۱۱. کرزن، لرد، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامرضا وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
۱۲. لرد کرزن در خلیج فارس، بر پایه اسناد وزارت امور خارجه واحد نشر اسناد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۰.
۱۳. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم، جلد ۸، تهران، اقبال، ۱۳۲۸.
۱۴. مستقیمی، بهرام، دگرگونی نظام بین الملل، تسلط جهانی اروپا، ارزشهای اروپایی ۱۸۹۵-۱۹۱۴، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۳.
۱۵. مهدوی، هوشنگ، عبد الرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، سیمرغ، ۱۳۵۵.
۱۶. نوایی عبدالحسین، ایران و جهان، از مشروطیت تا پایان قاجاریه، ج ۳، تهران، هما، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۷. وادالامی، خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه محمد شفیع جواد، تهران، کتاب سحاب، ۱۳۶۴.
۱۸. ویلسون، آرنولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، علمی و فرهنگ، ۱۳۶۶.
۱۹. هاوولی دونالد، در یای پارس و سرزمین های متصل، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: بوشهر شناسی ۱۳۷۷.
20. Amirahmadi, Hoshang, *Small Island, Big Policies (The Tohnb's and Abumusa in the Persian gulf's)*, New York, Martins press, 1996.
21. *Bombay Government Selection, From The Records Of The Bombay Government, Historical and Other Information With The Province Of*

- Oman, Muscat And Other Places in Persian Gulf, Bomba Edition; Vol. XXIV. Bombay, 1856.
22. Bavand, Davoud, H., The Historical, Political and Legal Bases of Iran's Sovereignty over the Islands of Tonb and Abu Musa, New York, Internet Concepts Incorporated, 1994.
۲۳. Busch, K., *Britain and The Persian Gulf*, ۱۸۹۴-۱۹۱۴, Berkeley University of California Press, ۱۹۶۷.
۲۴. Constable, Captain C.G., and Stiffe, Lieutenant A.W., *The Persian Gulf Pilot*, Including The Gulf of Oman, London: Hydrographic Admiralty, ۱۸۶۴.
25. India Office Records [I.O.] Annual Administration Reports of the Persian Gulf Residency and Muscat Political Agency. Calcutta): Province of Fars.
۲۶. J. G. Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and central Arabia*, Vol. ۱, part IA Historical, Calcutta, ۱۹۰۸-۱۹۱۵, Republished by grey International West Mead, England, ۱۹۷۰.
27. John McCluer, An Account Of Navigation between India and Persian Gulf, London, 1986.
28. Kelly, *Great Britain and the Persian Gulf, 1795-1880*, Oxford University Press, 1968.
29. Kinner, John Macdonald, *A Geographical Memoir of Persian Gulf Emirate*, London, unknown publisher, 1813.
۳۰. Kumar, Parinder, *India and the Persian Gulf* ۱۸۵۸-۱۹۰۷, London, Asia Publishing House, ۱۹۶۶.
۳۱. Mirfendereski, "The Tumb Islands Controversy, ۱۸۸۷-۱۹۷۱, A Case Study in Claims to Territory in International Law, Tufts University of Massachusetts, ۱۹۸۵.
32. Mojtabeh Zadeh, P. Irouz, *The Changing World Order and the Geographical Regions of Caspian-Central Asia and the Persian Gulf*, London, Urosevic Foundation, 1992.
33. Mohammad Morcy Abdollah, *The United Arab Emirates*, London, Croom Helm, 1987.
34. P.L. Toye, *The Lower Gulf Islands: Abu Musa and the Tonbs*, London, Archive Edition, 1993, Vol. 1 and 2.
35. Saldanha. J.a: *Precise of The Persian Gulf*, Vol., IV, 1870-1904, Archive edition, London, 1986.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کاظم‌زاده، فیروز، پیشین، یس در ایران، پژوهشی در باره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران، فرانکلین، ۱۳۵۴، ۳۶۵-۳۸۰.
- ۲- سیستانی، محمود افشار، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید ضیاع‌الدین دهشیری، تهران، نشر موقوفات افشاریزدی، ۱۳۵۸، ص ۲۸۸-۲۸۹. حقیقت، عبدالرفیع، روابط خارجی ایران از کهنترین زمان تاریخی تا عصر حاضر، پژوهش و نگارش از عبدالرفیع حقیقت، تهران، نشر کومش، چ ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶.
- ۳- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم، جلد ۱، تهران، اقبال ۱۳۲۸-۳۳، ص ۵۱.
- ۴- در این باره نک:

Amirahmadi, Hoddshang small Island, Big Policis. The Tohnb's and Abumusa in the persiangulf'st. Martins press. New York, 1996.

۵- هاولی دونالد، در یای پارس و سرزمین‌های متصل، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر: بوشهر شناسی ۱۳۷۷، صص ۱۹۸-۲۰۵.

۶- همان، ص ۲۰۵.

۷- گوگیر، یک عرب شناس و سفیر پیشین فرانسه در تونس، به عنوان تاجر در مسقط ساکن شد. او طی دوره اقامت خود در این شهر سرسختانه در مقابل توطئه‌های کارگزاران انگلیسی ایستاد و در این راه از سوی سیاستمداران با نفوذ حزب استعمار طلب پاریس و روزنامه‌های فرانسه مورد حمایت قرار گرفت
Mohammad morcy Abdollah, op. cit, p.28.

۸- جناب محمد علی، خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا، ص ۱۶۷.

۹- همان، ص ۱۴۸.

۱۰- همان، ص ۱۶۳.

11- Shapuy

12- Tramuye

۱۳- هاولی، پیشین، ص ۲۰۶.

۱۴- Ross این تضمین نامه سه ماده ای شیوخ را از برقراری روابط سیاسی با دول دیگر، اعطای زمین یا انعقاد قرارداد با آنان منع نمود.

15- J G. L orimer, Gazetteer of the Persian gulf, Oman and central Arabia , Vol.1, p. art IA Historical ,Calcutta, 1908-1915 ,Republished by grey International West Mead ,England, 1970, pp.730-739.

16- Ibid, pp.320,738.

۱۷- جناب، پیشین، ص ۶۳.

18- Morcy Abdollah, Op.cit, p.96-99. Saldanha, Op.cit, precise of Affairs of Persian gulf and Iran, p.57-58.

۱۹- کاکس نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس که تا آغاز جنگ جهانی اول این مسئولیت را داشت و سیاست راهبردی او باعث شد آنگونه که کرزن انتظار داشت، خلیج فارس را به دریاچه انگلیسی تبدیل کند. در باره اقدامات او در مقابل مداخلات روس و بریتانیا در مناطق داخلی ایران و خلیج فارس نگاه کنید به منابع زیر:

میر احمدی، مریم، پژوهشی در تاریخ معاصر، ایران (برخورد شرق و غرب در ایران ۱۹۰۰-۱۹۵۰)، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، صص ۶۵-۷۷.

اوکانر، فردریک، خاطرات فردریک اوکانر، کنسول بریتانیا در فارس، ترجمه حسن زنگنه، چاپ اول، نشر شیرازه، ۳۷۶، ص ۱۱۹.

مایر، نیدراسکارفن: زیرآفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۲۷۸.

لمبتون، ا.ک.س. ایران در عصر قاجار، ترجمه سیمین دانشور، تهران جاودان خرد، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹.

رایس، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسیها، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴.

شمیم، علی اصغر، ایران در عصر سلطنت قاجار، تهران، انتشارات مدبر، ۱۳۷۸، ص ۹.

Kumar, parinder, India and the Persian gulf 1858-1907, London, Asia Publishing House, 1966.

۲۰- یکی از قبایل ساکن در عمان متصالح و از ارکان اصلی بازوی نظامی قواسم، که مهمترین بخش نیروی زمینی قواسم در مقابله با تهدیدات بنی یاس و عمان بودند.

21- Mohammad morcy Abdollah, op.cit, p.28, p.89.

22- Ibid, p.99-100.

۲۳- فرامرزی احمد، راه آهن اروپا و خلیج فارس، تهران، داور پناه، ۱۳۴۶، ص ۵۴.

۲۴- صدراعظم سابق آلمان - شاهزاده بولو- در سال ۱۹۰۲ گفته بود: «آلمان در مشرق زمین هیچگونه سیاست فعالی اجرا نمی کند» و در جای دیگر اعلام کرد که طرح راه آهن هامبورگ بغداد- خلیج فارس، بر روی نفوذ و روحیه اقدامات آلمان در میان مدیترانه و خلیج فارس و کرانه های رود های تاریخی دجله و فرات زمینه هایی می گشاید». آندره شرآدم Andre sher Adamse در کتاب «طرح پان ژرمنیست» می گوید:

«اگر نقشه هامبورگ - خلیج فارس اجرا می شد، به دولت برلن و آلمان یک قدرت اقتصادی فوق العاده می داد که تا کنون در جهان دیده نشده است.» جناب، پیشین، ص ۵۵. این طرح در سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ ه ق، جنبه عملی به خود گرفت. Lorimer, Op.cit, p. ۳۱۰-۳۱۱. در سال ۱۹۰۰ کنسول آلمان در استانبول- اشتم ریخ Herr stemrich هیأتی را به کویت فرستاد و زمینی که پایانه خط راه آهن به آن ختم می شد را از امیر خریداری کرد. مهمترین عکس العمل انگلستان این بود که در سال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ ه ق کویت را

تحت الحمايه خود ساخت. ممانعت از اجرای طرح خط آهن از سوی شیخ یکی از شروط معاهده تحت الحمایگی بود. در نتیجه قرارداد ۱۸۹۹م امیر کویت با انگلستان مانع پیشبرد این کار شد.

۲۵- وادالا،رامی،خلیج فارس در عصر استعمار،ترجمه محمد شفیع جوادی،تهران،کتاب سحاب،۱۳۶۴،ص۵۶.

26- Saldanha, Op.cit, precise of Koweit affairs, p.104-116.

۲۷- پطر کبیر در وصیت نامه خود گفته است: «در کارشکنی مربوط به امور ایران تسریع نمایید، به خلیج فارس راه یابید، تجارت قدیمی حوزه شرق نزدیک و مدیترانه را احیا کنید و به سوی هند که انبار گنج‌های جهان است پیش برانید.» البته بسیاری از مورخان این وصیت نامه را دروغین میدانند.

28- Saldanha, Op.cit, Precise correspondens, pp.92-93

۲۹- وادالا، پیشین، صص ۵۳-۵۴.

30- Mohammad morcy Abdollah, op.cit, p.28-29

31- Ibid, p.29.

۳۲- جناب، پیشین، ص ۱۲۹.

۳۳- راجع به این موضوع نک: کرزن، لرد، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامرضا وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰،

۳۴- کاظم زاده، پیشین، ۳۹۲-۸.

35- Korniloff

۳۶- جناب، پیشین، ص ۱۲۹.

۳۷- کاظمزاده، فیروز، روابط روس و بریتانیا در ایران، ۱۸۶۴-۱۹۱۴ ترجمه منوچهرامیری، تهران، جیبی، ۱۳۵۰، ص ۴۲۲.

38- Boyarine

۳۹- جناب، پیشین، ص ۴۰-۴۱.

۴۰- در این باره نگاه کنید به:

41. Toye, The Lower Gulf Islands: Abu Musa and the Tonbs, London, Archive Edition, 1993, Vol. 1 and 2.

42- Saldanha, Op.cit, Vol. 8, precise of negd affairs, p.56-59. Kelly, op.cit, p.656-661.

۴۳- لاوارنس از سوی نماینده سیاسی انگلستان به ابوظبی اعزام شد تا از نزدیک به بررسی اوضاع بپردازد، مذاکرات دو طرف مخفیانه صورت گرفت و بعدها که انگلستان از حقیقت موضوع با خبر شد، ابوظبی اعلام کرد که این سفر به منظور رسیدگی به مسائل اتباع شیخ در ایران صورت گرفته است.

۴۴- درباره اهمیت لنگه در نیمه دوم قرن نوزدهم نک: کامله بنت الشیخ عبدالله بن علی القاسمی، تاریخ لنجه، مجلد الثاني، دبی، مکتبه الدبی للتوزیع، طبعه الثانيه، ۱۹۹۳. همچنين:

Lorimer, Op.cit, Vol. BII, p.:1097-8.

45- melpomene

46- Saldanha, Op.cit, Vol.8,,precise of correspondens,p.19.

47- Ibid,p.2063-5.

با این وجود تعداد زیادی از تجار، شهر را به قصد دویبی ترک کردند. بخصوص پس از استقرار گمرک در بندر در سال ۱۹۰۲ دویبی جانشین لنگه شد و تجار مروارید در آنجا اقامت گزیدند. دویبی از این پس راه پیشرفت را پیمود.

48- Simais

۴۹- سفر نامه فرنگستان، سفر نامه اول مظفر الدین شاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳

۵۰- همان، ص ۱۲۸

۵۱- همان، ص ۱۴۶

۵۲- همان، صص ۱۵۲-۱۵۳.

۵۳- محمود محمود، پیشین، جلد ۴ و ۵، ص ۳۸.

۵۴- دراینباره نک: تطور قطر سیاسی من نشاءت الاماره الی استقلال الدوله، جمععی از نویسندگان، الدوحه، ۲۰۰۵، صص ۱۱۹-۲۰۰.

۵۵- محمود، جلد ۴ و ۷، صص ۸۹-۹۰

۵۶- کرزن، پیشین، ص ۵۵۳

۵۷- همان، مقدمه کتاب.

۵۸- راجع به اوگیری رقابت های دو طرف طی این دوره، نک: کاظم زاده، پیشین، ص ۴۰۳-۴۱۹

۵۹- کرزن، پیشین، ص ۷۱۲

۶۰- همان، ص ۷۱۶.

61- Saldanha, Op.cit, Vol.8,,precise of correspondens,p.92-93

۶۲- جناب، پیشین، ص ۱۷۳.

۶۳- هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۲۷۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

64- Wiles

65- Lorimer, Op.cit,p.:374-5.

در سال ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ طرح فتح مجدد باسعیدو در لندن مطرح شد. پس از بررسی های متعدد قرار شد یکی دو روستای اطراف پادگان قدیمی که پیشتر آنها را خارج از محدوده پادگان به حساب می آوردند تسخیر شود و این محل به یک بندر آزاد تجاری یا پادگان نیروی دریایی تبدیل شود. همچنین مقرر گردید که از ورود اتباع غیر انگلیسی به باسعیدو جلوگیری شود. ولی همین جلوگیری باعث هجوم تجار به این محل شد و در نتیجه طرح باسعیدو لغو شد. جناب، پیشین، ص ۱۷۵.

66- Amir Ahmadi, op.cit, 89-90.

۶۷- حقیقت، پیشین، ص ۴۴۶.

۶۸- کرزن، پیشین، ص ۵۵۳.

۶۹- لرد کرزن که طرح فتح جزایر ایرانی را تهیه نمود، در کتاب ایران و قضیه ایران، پس از شرح موقعیت

لنگه، جزایر لنگه را با عنوان «جزایر اطراف لنگه» تابع این بندر می داند و ادامه می دهد که شیخ قاسمی به نیابت از حکومت مرکزی بر آن ها نظارت دارد. از همان ابتدای سال ۱۹۰۰ دستور فتح جزایر به مقامات رسمی هند ارسال شد و شایعه اعزام هیئت روسی برای اجاره یک جزیره در جنوب ایران باعث شدت عمل انگلیسی ها شد. وزیر امور خارجه انگلستان دستور برافراشتن پرچم این کشور در هر جزیره ای که مناسب تأسیس پایگاه نیروی دریایی باشد را صادر نمود. طبق دستور، باید از ایجاد ارتباط میان شیوخ و مقامات ایرانی و روسی جلوگیری شود. *Bavand, Davoud, H., The Historical, p. olitical and Legal Bases of Irans Sovereignty over the Islands of Tonb and Abu Musa, New York, Internet Cocepts Incorporated, ۱۹۹۴, p. ۶۴-۶۶.* دولت ایران در سال های ۱۹۰۱-۱۹۰۲

م / در قشم و کیش ایستگاه بازرسی گمرک تأسیس نمود. قرار بود در جزایر هنگام، شعیب، بوموسی و تنب بزرگ نیز ایستگاه های دیگری تأسیس شود. اهالی خرمشهر و بوشهر به استقبال مأموران گمرک رفتند. این حرکت ایرانیان زنگ خطری دیگر برای انگلستان بود. گمرک ایران در این زمان شش فروند کشتی مجهز داشت. کمبل به هند پیشنهاد داد که جزیره ابوموسی به نام شارجه فتح شود و در توجیه این کار چند نامه جعلی رد و بدل شده میان لنگه و شارجه و همچنین عدم اعلام رسمی ایران نسبت به حاکمیت بر جزایر را مد نظر قرار داد. یکی از این نامه ها مربوط به ۱۸۶۸م/ ۱۲۸۵ ه ق می باشد که از نظر نماینده سیاسی انگلستان در بوشهر ارزش جواب دادن هم نداشت *Toye, op. cit, Vol ۲, p. ۳۴۴-۳۶۴, ۹, ۳۶۴, ۳۲-۵۰.* وزارت هند بریتانیا در نوامبر ۱۹۰۰ طی نامه ای به وزارت خارجه نوشت: «در اوایل امسال گزارشی مبنی بر اقدام روسها در پیاده سازی نیرو در بندرعباس واصل گردید... پیرو نامه ۱۳ فوریه ۱۸۹۹م/ ۱۳۱۷ ه ق اینجانب به حضر تعالی در ۱۴ فوریه اختیار داده شد... در صورت ملاحظه شرایط خاص پرچم انگلستان هرمز، هنگام، قشم یا هر جزیره دیگری که بنا بر مصلحت مقامات بحریه مناسب پایگاه دریایی باشد اقدام فرمائید». *1st from India Office to Foreign Office, dated: ۷/۳۳/۶۰. F.O.* ۲. *enclousure no, ۱۹۰۰, November*

وزارت امور خارجه در پاسخ، جزایر واقع در تنگه هرمز را جزء مناطق مورد تهدید و در نتیجه مناسب برای بر افراشتن پرچم انگلستان دانست. *from Georje Hamilton to the Governor: ۷/۳۳/۴۱۶. F.O.* *General of India in Council, secret no ۲۳rd november dated, ۳۰- ۱۹۰۰.* در اوایل سال ۱۹۰۲ مقرر شد جزایر استراتژیک تنگه هرمز و حوالی آن فتح شود.

در نتیجه، در سال ۱۹۰۳/۱۳۲۱ ه ق با این ادعا که جزایر تنب و ابوموسی رسماً از سوی ایران اشغال نشده اند، ناوگان دریایی انگلستان آنها را تحت نظارت خود قرار داد. در آوریل همان سال شارجه «به عنوان نشانه ای از مالکیت»، پرچم خود را بر جزایر تنب و ابوموسی برافراشت.

۷۰- کلنل سرهنری مک ماهان همراه با ۱۵۰۰ نیرو تا سال ۱۹۰۶ دست به یک سری اقداماتی زد که در نظر لرد کرزن برای پاکسازی مدخل ورودی هند و حمایت از رهبران بلوچ الزامی بود. در همین حال طی سال های ۱۸۹۵ تا پایان عصر لرد کرزن در هند (۱۹۰۵) مرز ایران و هند تعیین گردید. محمود محمود، پیشین، جلد ۷ و ۷، ص ۹۱-۹۵.

۷۱- تا پایان حضور بریتانیا در سال ۱۹۷۱، تنها دو نایب السلطنه انگلیسی هند از خلیج فارس دیدن کردند،

یکی لرد کرزن و دیگری لرد هاردینگ که در سال ۱۹۱۵، ۱۳۳۳ هـ.ق، یعنی با آغاز جنگ جهانی اول در خاور میانه به بصره رفت.

72- Saldanha, Op.cit, precise of correspondens, p.52.

۷۳- نوایی عبدالحسین، ایران و جهان، از مشروطیت تا پایان قاجاریه، ج ۳، تهران، هما، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۴۵-۴۶.

۷۴- جناب، پیشین، ص ۱۶۳

۷۵- لرد کرزن در خلیج فارس، بر پایه اسناد وزارت امور خارجه واحد نشر اسناد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۰، ص ۲۴.

Saldanha, Op.cit, Vol.8, precise correspondens, p.50

76- Saldanha, Op.cit, p.50.

۷۷- آرگونوت Argonaut یا آرگوناتا نام یک کشتی افسانه ای است که طبق افسانه های یونانی به دست آرگون ساخته شد و فردی به نام پیوس از طرف پادشاهی از سرزمین یونان در جستجوی پشم طلایی یا نماد فرمانروایی بر دریاها، به سفری دور و دراز برود. رزمنو آرگونوات بزرگترین کشتی ای بود که تا قبل از جنگ جهانی از خلیج فارس دیدن کرده بود.

78- H.n.ss.Hyachinth

79- H.m.ss.fox

80- R.Im.Harding

81- Saldanha, Op.cit, Vol.III, precise of Maskat Affairs, p.51.

82- insignia G.C.I.E

83- Saldanha, Op.cit, p.51

۸۴- متن کامل این سخنرانی در پیوست کتاب لریمر:

Gazetteer of the Persian gulf, Oman and central Arabia , Vol.1, p.art IA

و همچنین در پیوست کتاب «دریای پارس و سرزمین های متصل» از دونالد هاوولی آمده است.

۸۵- شمالیا عنوانی است که قبایل عمان به طور سنتی برای شناسایی بخشی از مناطق شرقی راس مسندم واقع در سواحل دریای عمان قائل می شوند و هم اکنون جزئی از امارات متحده عربی است.

86. Lorimer, Op.cit, p.art.B.II, p.2639.

87- Saldanha, Op.cit, precise of Maskat Affairs, Vol.III, p.50

88- Ibid, p.51

89- Ibid, Vol. V, precise of Kuwait affairs, pp.80-92

90- Ibid, precise of Muscat Affairs, Vol.III, p.53.

۹۱- کرزن، پیشین، ص ۷۱۶.

۹۲- همان، ص ۷۳۷.

۹۳- الف- از شنیدن غیبت و بد گویی به همسایگان احتراز کنید. ب- به اموال همسایه با نظر طمع نگاه نکنید. کرزن، پیشین، ص ۷۳۷.